آخر خط

مقصر مرگ نوجوان ۱۷ساله کیست؟

ابوعطا| پسر هفده ساله هنوز به سن قانونی نرسیده بود تا بتواند گواهی نامه بگیرد و هنگام تردد با موتورسیکلت، حداقل هایی را آموخته باشد. با این حال، پسر نوجوان بی توجه به این نکته، شبیه بسیاری از نوجوانان زیر سن قانونی، سوار موتورسیکلت می شد و بی محابا در شهر رانندگی می کرد و قطعا خانواده اش از این موضوع آگاه بوده اند و نخواسته یا نتوانسته اند جلو او را بگیرند، تا اینکه همین موضوع به قیمت جان پسر نوجوان تمام شد و حالا همه دنبال یافتن مقصر در این حادثه هستند. ماجرای این حادثه به عصر جمعه بازمی گردد که پسری نوجوان سوار برموتورسیکلت در بولوار هاشمی رفسنجانی به دلایلی نامشخص هنگام تردد با موتورسیکلت کنترل وسیله نقلیه را از دست داده و واژگون شده است. با اعلام حادثه به پلیس و حضور عوامل انتظامی و امدادی در محل، پیکر نیمه جان پسر نوجوان به بیمارستان منتقل شد، اما به علت شدت جراحات به سر، با وجود تلاش کادر درمان، جان خود را از دست داد. تحقیقات درباره این پرونده و شناسایی علت اولیه وقوع سانحه رانندگی ادامه دارد.

روی خط حادثه

«بابازی» جان ۲ نوجوان را نجات داد

شهرآرا| دختر نوجوان را حادثه‌ای به بیمارستان کشانده بود و چند روزی از بستری شدن او در بخش مراقبت های بیمارستان حکیم نیشابور می‌گذشت، تا اینکه بررسی‌ها و معاینات تخصصی نشان داد که این دختر شانزده ساله دچار مرگ مغزی شده است. با اعلام مرگ مغزی «سارا بابازی»، مشاوره‌های تخصصی به خانواده او داده شد و آن‌ها با موضوع پیوند عضو موافقت کردند و پای رضایت‌نامه را امضا کردند. در ادامه، پیکر این زنده‌یاد به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی مشهد معرفی شد و در بیمارستان منتصریه تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت. در این جراحی پیوند عضو، کلیه‌های زنده‌یاد سارا بابازی در بیمارستان منتصریه به یک دختر نوجوان هجده‌ساله ساکن تربت‌حیدریه و یک پسر یازده‌ساله ساکن بندرعباس که از نارسایی کلیوی رنج می‌بردند، پیوند زده شد.

کشف هزاران کیلو آرد قاچاق در یک خانه

شهرآرا| پلیس مشهد با رصدهای اطلاعاتی خود به سرنخ‌هایی از انباشت آردهای یارانه‌ای در مشهد دست یافت و دست یک قاچاقچی را رو کرد. مأموران پاسگاه انتظامی تپه‌سلام با یافتن این سرنخ‌ها تحقیقات خود را آغاز کردند. تیم رسیدگی‌کننده پس از تحقیقات نامحسوس و اطمینان از صحت موضوع، با هماهنگی قضایی وارد عمل شد. در این عملیات غافل‌گیرانه، در بازرسی از این منزل مسکونی، ۲ هزار و ۸۰۰ کیلوگرم آرد یارانه‌ای خارج از چرخه توزیع به ارزش تقریبی یک میلیارد ریال کشف شد. در ادامه فرد متخلف پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی به اداره تعزیرات حکومتی معرفی شد.

پایان بازی سیاه یک خرده‌فروش موادمخدر

شهرآرا| خرده‌فروش‌ها مهم‌ترین قسمت چرخه گردش موادمخدر هستند و نقش واسطه میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را ایفا می‌کنند. درواقع این افراد موادمخدر را در دسترس شهروندان قرار می‌دهند. مأموران کلانتری شهید باهنر مشهد در بازرسی از منزل یک سوداگر مرگ، ۱۵۰ بسته مواد افیونی کشف کردند. در تازه‌ترین پرونده برخورد با این افراد، مأموران دایره مبارزه با موادمخدر کلانتری شهید باهنر با رصدهای اطلاعاتی خود به خبری مبنی بر فعالیت گسترده یک سوداگر مرگ در حوزه استحفاظی‌شان دست یافتند. تیم رسیدگی‌کننده پرونده پس از شناسایی مخفیگاه این سوداگر مرگ در محدوده خیابان ظفری، با هماهنگی مقام قضایی برای دستگیری او وارد عمل شد. مأموران در این عملیات، ضمن دستگیری متهم، در بازرسی از مخفیگاهش ۱۵۰ بسته آماده فروش تریاک، یک دستگاه ترازوی دیجیتال، یک دستگاه کارت‌خوان و مقادیری وجه نقد حاصل از فروش موادمخدر را کشف کردند. متهم پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

پس از گذشت چند روز از مرگ یک خانواده ۳نفری، اجساد آنها در حاشیه جاده‌ای پرتردد کشف شد

سفر آخرت در چادر مسافرتی!

سعید جلائیان

گزارش

عکس: اختصاصی شهرآرا

ساعت حدود ۱۰ صبح دیروز بود که منابع خبری از کشف اجساد یک خانواده مسافر در ورودی مشهد باخبرم کردند. موقعیت اولیه محور باغچه و شهرستان ملک‌آباد بود. اما پس از چند تماس با افراد آگاه از پرونده، راهی ورودی مشهد از سمت چناران شدم. چادر این مسافران دقیقا مقابل مرکز درمانی طالقانی برپا شده بود. بوی بدی از سمت چادرها می‌آمد، تا جایی که کسی توان جلورفتن نداشت. اما در صفحه حوادث از «نمی‌توانم» و «نمی‌شود» خبری نیست. باید جلو می‌رفتم و چنین کردم. نمی‌دانم خاطره دیدن سه جسد متعلق به اعضای یک خانواده که دچار فساد نعشی شده و متورم و سیاه بودند، تا کی همراهم خواهد بود. هنوز پس از گذشت چندین ساعت حالم از آنچه به ناچار دیدم، بد است. در چادر اول جسد مردی جوان قرار داشت. در این چادر سه پیک‌نیک و نیز ظرفی حاوی مقداری زغال قلیان بود که خاکستر شده بود. در بررسی این سه پیک‌نیک مشخص شد ردپای قاتل خاموش در این صحنه مشهود است. با گذر از مرد جوان به سراغ چادر دوم رفتم. زیپ چادر مسافرتی با قفل کوچکی بسته شده بود. به همین دلیل مأموران پیش از حضور ما گوشه‌ای از چادر مسافرتی دوم را پاره کرده بودند و با پیکر بی‌جان دختربچه‌ای خردسال روبه‌رو شده بودند که در آغوش مادر جوانش جان باخته بود. پس از پیداشدن این اجساد، مأموران موضوع را به قاضی صادق صفری، بازپرس ویژه قتل عمد، اعلام کرده بودند. فرضیه مرگ این خانواده به‌واسطه قاتل خاموش پررنگ بود، اما قاضی ویژه قتل، دستوراتی تخصصی پیرامون تحقیق درباره مرگ این افراد و انتقال اجساد آن‌ها به پزشکی‌قانونی صادر کرد.

در همان بدو ورود به محل حادثه، این پرسش ذهن ما را درگیر کرده بود که چطور در محلی به این شلوغی چند روز طول کشیده است تا این اجساد پیدا شود! به‌ویژه اینکه این افراد در مکانی پرتردد و شلوغ مثل حاشیه جاده سنتو و در مجاورت داروخانه بیمارستان طالقانی چادر زده بودند. علاوه بر این، محل حادثه مکان اتراق موقت مسافران و همراهان بیماران بستری در بیمارستان طالقانی نیز بود. شاید همین شلوغی سبب شد پس از گذشت دست‌کم سه‌چهار روز، اجساد این چادرنشین‌ها پیدا شود؛ هرچند این افراد ممکن بود در هر مکان دیگری چادر بزنند و این حادثه در محلی دیگر برای آن‌ها رخ دهد. با کشف اجساد، مانند بسیاری از حوادث، شهروندانی برای کنجکاوی و اطلاع از ماجرا به محل حادثه نزدیک می‌شدند. برخی از این افراد در همین محدوده مشغول به‌کار بودند؛ افرادی که با طرح ادعاهای مختلفی درباره متوفیان، مدعی بودند آن‌ها را دیده‌اند. یکی از این افراد، کارگری بود که در یک مرکز صنعتی کار می‌کرد. او به خبرنگار ما گفت که یک هفته قبل، مردی جوان را دیده که مشغول کشیدن پلاستیک به دور چادرهای مسافرتی بوده است. اما پارکبانی که خبر کشف این سه جسد را به پلیس داده بود، اظهارات بیشتری برای گفتن داشت. او درباره قربانیان این دو چادر گفت: چهار روز قبل به اینجا آمدم و به مرد جوانی که بعدا جسدش را پیدا کردم، گفتم اینجا اجازه چادرزدن ندارید. او گفت ما مسافر هستیم و منتظر بازگشت همسرم هستم. وقتی او برگردد، از اینجا خواهیم رفت. متأسفانه پس از این گفت‌وگو من تا امروز به مرخصی نرفتم. وقتی به بوستان برگشتم، یکی از همکارانم گفت که از این دو چادر بوی عجیبی می‌آید و باید به آن‌ها تذکر بدهیم. من که از دیدن چادرها تعجب کرده بودم، بلافاصله برای تذکر به آن‌ها رفتم، اما وقتی نزدیک شدم، متوجه بوی اجساد شدم و بلافاصله با پلیس تماس گرفتم.

انتقال اجساد و وسایل با کمک پاکبانان شهرداری

با توجه به اینکه چند روز از ماندن اجساد در چادرهای مسافرتی می‌گذشت و وسایل زیادی در چادرها بود، برای انتقال اجساد از پاکبانان شهرداری درخواست کمک شد. با حضور پاکبانان، هرسه جسد به پزشکی‌قانونی منتقل شد. پس از انتقال اجساد، نوبت به بررسی وسایل داخل این دو چادر رسید. مرد جوان پیش از مرگش به پارکبان بوستان گفته بود مسافر است، اما در بررسی مدارک شناسایی کشف شده از چادر مشخص شد هرسه متوفی متولد مشهد هستند. در ادامه بررسی وسایل موجود در چادرها دو دستگاه گوشی تلفن همراه، چندین کوله مسافرتی بزرگ حاوی لباس، وسایل الکترونیکی، بخاری برقی، ظروف و... پیدا و صورت‌جلسه شد. با دستور قاضی ویژه قتل، تحقیقات پلیس درباره کشف علت مرگ این افراد و دلیل حضور آن‌ها در چادر مسافرتی ادامه دارد.

دستگیری سارق هنگام دوردور با خودرو سرقتی

حادثه داغ

شهرآرا| آن‌قدر پررو بود که با خودرو سرقتی در خیابان‌های شهر دوردور می‌کرد؛ غافل از آنکه شاید پلیس به او مشکوک شود. دیروز یکی از گشت‌های پیشگیری پلیس آگاهی مشهد هنگام گشت‌زنی در محدوده بولوار بهمن به یک دستگاه پژو ۴۰۵ نقره‌ای به رانندگی مردی جوان مظنون شد. با استعلام پلاک خودرو، مشخص شد خودرو مسروقه است و مأموران بلافاصله به آن دستور ایست دادند، اما راننده پژو با سرعت زیاد از محل متواری شد. مأموران گشت خودرویی پلیس آگاهی ضمن اعلام موضوع به مرکز پیام، به تعقیب آن پرداختند و پس از طی مسافتی تعقیب‌وگریز، با هدف قراردادن لاستیک خودرو پژو، آن را متوقف و متهم راکه پیاده قصد فرار از محل را داشت، دستگیر و در بازرسی از خودرو مقادیری کابل برق و تعداد زیادی آچارآلات کشف کردند.

متهم که به مواد مخدر اعتیاد دارد، پس از انتقال به کلانتری، طی چندین مرحله بازجویی و مواجهه با ادله پلیس و مستندات به‌دست‌آمده، علاوه بر سرقت خودرو، به چهارده فقره سرقت قطعات و محتویات داخل خودرو و چهار فقره سرقت کابل برق با خودرو مسروقه در شهر مشهد اعتراف کرد. متهم پس از سیر مراحل قانونی، با صدور حکمی روانه زندان مرکزی مشهد شد.

دستگیری زنی که با نزدیک‌شدن به دختربچه‌ها، گوشواره‌هایشان را سرقت می‌کرد

من خاله‌ات هستم، نمی‌شناسی‌ام؟!

عکس: اختصاصی شهرآرا

خبر

سهیل دیبا| چندین شکایت به پلیس مشهد رسیده بود. شاکیان، والدین دختربچه‌هایی بودند که فردی شیاد گوشواره‌های دخترکانشان را در خیابان مقابل چشم دیگران دزدیده بود. بررسی‌های اولیه نشان داد که سارق سنگدل در برخی سرقت‌ها برای بیرون‌کشیدن گوشواره، گوش بچه‌ها را زخمی کرده بود. با تجمیع این سرقت‌ها در قالب یک پرونده که در هسته مرکزی شهر اتفاق افتاده بود، مأموران دایره تجسس کلانتری شیرازی تحقیقات خود را آغاز کردند.

مأموران ابتدا به سراغ مال باخته‌ها رفتند تا بتوانند با جمع‌آوری سرنخ‌های موجود، زمینه شناسایی و دستگیری متهم را مهیا کنند. بررسی اظهارات خانواده‌ها نشان داد که بیشتر این کودکان در حال بازی در کوچه و خیابان بوده‌اند که زنی جوان به آن‌ها نزدیک شده و با بوسیدن صورتشان به آن‌ها گفته است: «من خاله‌ات هستم، نمی‌شناسی‌ام؟!» بعد هم به بهانه‌های واهی با خنده و شوخی دست دختربچه‌ها را گرفته و به نقطه‌ای دنج کشیده و در اولین فرصت، بدون توجه به گریه دختربچه‌ها، گوشواره طلا را از گوششان کشیده یا دیگر جواهرات همراه آن‌ها را سرقت کرده است.

با این یافته‌ها، مأموران کلانتری شیرازی به ردزنی متهم با توجه به یافته‌های تصویری در محله‌های وقوع سرقت اقدام کردند. تیم رسیدگی‌کننده پرونده خیلی زود به تصویری از متهم دست یافت و دختربچه‌ها نیز این زن را شناسایی کردند. مأموران با شناسایی هویت متهم، با هماهنگی قضایی، این زن را در مشهد دستگیر کردند. زن مدعی بود سرقت نکرده است، اما یافته‌های تصویری پلیس صراحتا او را در حال سرقت نشان می‌داد؛ موضوعی که موجب ساکت شدن متهم شد. در ادامه زن سی و نه ساله در بازجویی‌های پلیسی مجبور به اعتراف چهارفقره سرقت از کودکان شد. در ادامه، پس از تشکیل پرونده برای متهم، این زن شیاد به دادسرا منتقل شد تا به پرونده‌اش رسیدگی شود.
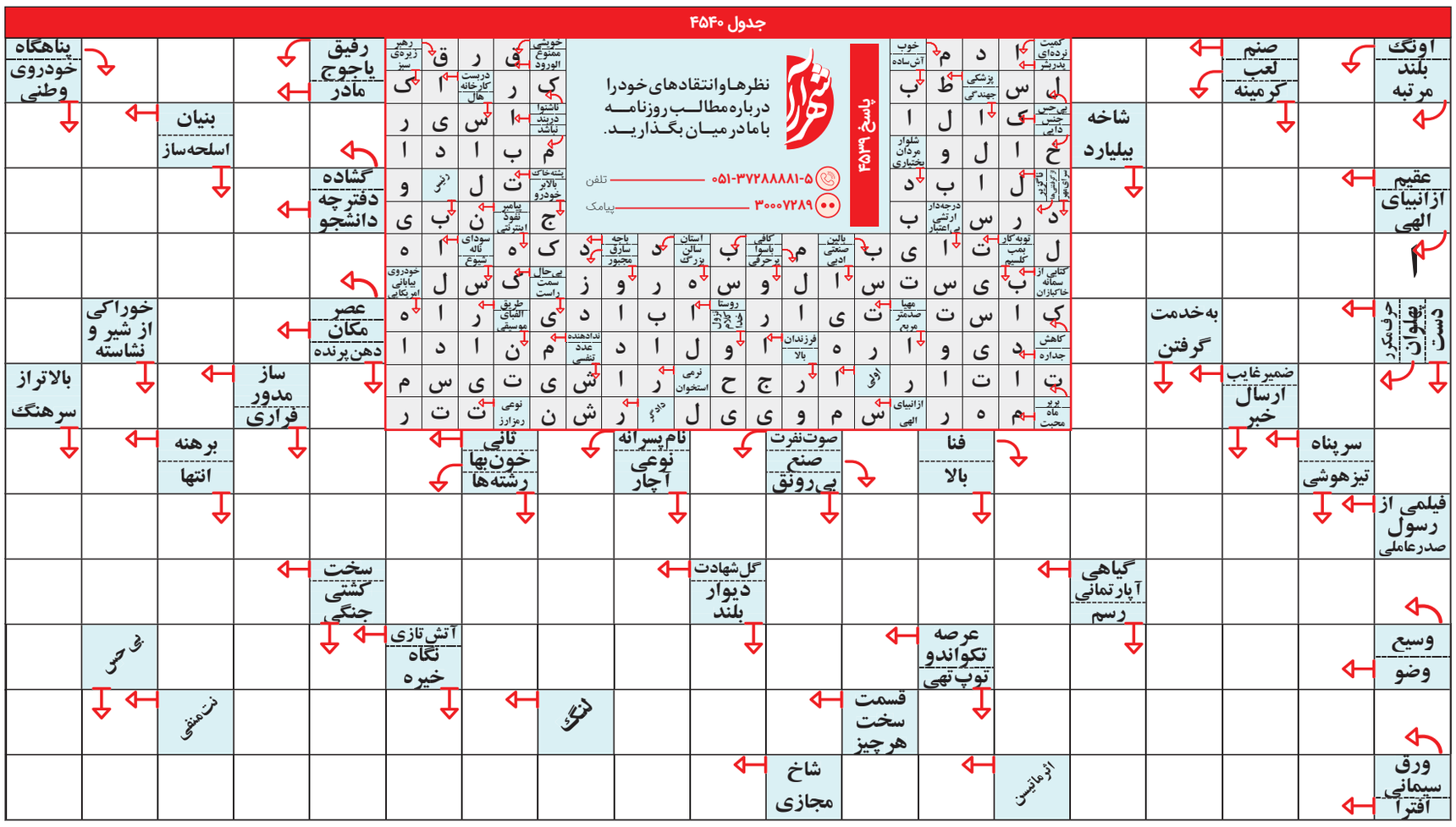
جدول ۴۵۴۰